خبر

برگزاری نخستین شب مراسم عزاداری سیدالشهدا(ع) با حضور رهبر انقلاب

نخستین شب از مراسم عزاداری حضرت اباعبدا... الحسین علیه السلام، با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی، در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار شد. به گزارش پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب، در این مراسم که قشرهای مختلف مردم و جمعی از مسئولان حضور داشتند، حجت‌الاسلام والمسلمین صدیقی سخنرانی کرد و آقایان اسلامی‌فر، ارضی و بنی‌فاطمه، بر مصائب حضرت سیدالشهدا(ع) مرثیه‌سرایی و نوحه‌خوانی کردند.

دیدگاه

کتاب‌فروشی‌های آنلاین به نظارت صنفی نیاز دارند

یک مدیر صنعت نشر، معتقد است که نبود نظارت صنفی، امکان ایجاد تخلف را در کتاب‌فروشی‌های آنلاین بالا برده است؛ اگرچه اختلال در قواعد بازار، در نمایشگاه‌ها و کتاب فروشی‌های سنتی نیز وجود دارد. به گزارش ایبنا، علی حاجی‌تقی گفت: باید بپذیریم، سیستم‌های فروشگاهی و خدماتی آنلاین، وارد بازار و اقتصاد دنیا و همچنین، ایران شده است؛ البته در این عرصه، از جریان جاری دنیا عقب هستیم. با وجود این، نشر ایران خواهی نخواهی به این سمت حرکت کرده است. وی با بیان این که مخالفت با ایجاد فروشگاه‌های آنلاین کتاب، تفکر بخردانه‌ای نیست، افزود: نمی‌توان با پیشرفت فناوری در حوزه‌های مختلف، مبارزه کرد؛ علاوه بر این، کسب‌وکار آنلاین به‌عنوان یک نوع از کسب‌وکار به رسمیت شناخته می‌شود. حاجی‌تقی، درباره دلایل مخالفت برخی فعالان حوزه نشر با فروشگاه‌های اینترنتی، توضیح داد: مخالفت‌ها ناشی از دو دلیل است؛ نخست این که کتاب فروشی‌های آنلاین از نظر برخی، به‌مثابه رقیب تعریف می‌شود و هیچ فعال اقتصادی، از وجود رقیب خوشحال نیست. دلیل دیگر مخالفت، تخلف، تخفیف‌های خارج از عرف و بی‌توجهی به روزآمدی اطلاعات فروشگاه است که همه این عوامل، بهانه‌هایی به دست مخالفان می‌دهد. این مدیر صنعت نشر، تأکید کرد: به نظر می‌رسد، نظارت صنفی بر فروشگاه‌های آنلاین کتاب، چندان وجود ندارد و به همین دلیل، امکان ایجاد اختلال از سوی فعالان این عرصه تقویت می‌شود؛ البته یادآوری می‌کنم که اختلال در قواعد بازار نشر، تنها منحصر به این فضا نیست. اعمال نظارت‌های صنفی، کمک می‌کند فروشگاه‌های آنلاین، به‌مرور به وضعیت مطلوب نزدیک شوند؛ اما نظارت صنفی از سوی اتحادیه ناشران و کتاب فروشان، بر عملکرد کتاب فروشی‌های آنلاین، مورد غفلت قرار گرفته است.

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
روزنامه مجله ویژه نامه کتاب
اینفوگرافیک گرید لوگو
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

وقایع روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۶۱ هجری به روایت ۶ مقتل معتبر

حرارتی که ز عشق حسین(ع) در دل‌هاست برای ظالم هر عصر، خانمان سوز است

جواد نوائیان رودسری - روز هشتم محرم سال ۶۱ هـ.ق، آب بر روی سالار شهیدان(ع) و همراهانش بسته شد. گرمای هوا و فقدان آب، طاقت کودکان و خردسالان را طاق کرده بود؛ فریاد «العطش»، از هر گوشه‌ای، به گوش می‌رسید. شب نُهُم محرم بود که امام(ع)، برادر بزرگوارش، عباس بن علی(ع) را نزد خود خواند و به او مأموریت داد تا با همراهی ۳۰ سوار و ۲۰ پیاده، به جانب نهر برود و ۳۰ مشک را از آب پُر کند و به خیمه‌ها باز گردد. مردان خدا بر راهوار خود نشستند و عاشقان حضرت دوست، شمشیر حمایل کرده و نیزه را به دست گرفتند. در کرانه‌های نهر، عمرو بن حجاج با ۵۰۰ سرباز، مراقب بود تا قطره‌ای آب به خیمه‌ها نرسد؛ اما سلحشوری ابوالفضل العباس(ع)، پایمردی سعید بن عبدا... حنفی و سرعت عمل دیگر یاران سیدالشهدا(ع)، مجال مقابله را از خصم گرفت تا این بار، مشک‌ها پر آب به خیمه‌ها باز گردد.

■ نماز را دوست دارم

خورشید روز نُهُم محرم، در افق رنگ می‌باخت؛ تشنگی دوباره بر خیمه‌ها سایه انداخته بود. ناگهان همهمه‌ای از دور به گوش رسید. زینب کبری(س)، سراسیمه از خیمه بیرون آمد و نزد برادر رفت؛ امام(ع)، کنار خیمه نشسته و به شمشیرش تکیه داده و چشمانش بسته بود؛ با صدای خواهر، چشم‌ها را باز کرد و پیش از هر سخنی فرمود: خواب پیامبر(ص) را می‌دیدم، به من فرمود پسرم! به زودی نزد من می‌آیی. آه از نهاد زینب(س) بلند شد؛ با خود اندیشید: آیا لحظه فراق نزدیک است؟ حسین(ع) برخاست و برادر را نزد خود طلبید و او را به طرف سوارانی فرستاد که بی محابا، به سمت خیمه‌ها می‌تاختند؛ هنگامی که ابوالفضل(ع) بازگشت، همه فهمیدند که کوفیان قصد دارند کار را یکسره کنند. سیدالشهدا(ع)، فرمود: برادرم، عباس جان! فدایت شوم! نزد آن‌ها برو و بگو که امشب را به ما مهلت دهند و فردا صف‌آرایی کنند؛ بگذار امشب را به عبادت مشغول باشیم که به خدا سوگند، نماز را دوست دارم و عبادت پروردگار را خوش می‌دارم. عباس(ع) به سوی مهاجمان رفت و مهلت گرفت.

■ شب عاشقان بی‌دل

شب عاشورا بود. همه یاران در خیمه بزرگ جمع شده بودند. حسین(ع) با مهربانی به چهره تک‌تک آن‌ها نگریست؛ می‌شد در پس نگاه هر کدام از آن جان برکفان، شور جانبازی را دید. سیدالشهدا(ع) به همه آن‌ها رخصت رفتن داد؛ فرمود که بیعت از آن‌ها برمی‌دارد تا نزد خانواده و کسان خود بازگردند و به خاطر او، به مهلکه نیفتند؛ اما وقتی سخنان یاران آغاز شد، کلام آتشین شان، قیامت برپا کرد. عباس(ع) و بنی‌هاشم از یک سو و سایر یاران در سوی دیگر، رقابتی سخت را برای بیان زیباترین و حماسی‌ترین جملات تاریخ، آغاز کرده بودند و امام(ع)، با لبخندی بر لب، به همه آن‌ها مژده شهادت داد.

■ وداعی تلخ

لحظات برای زینب(س) به سرعت می‌گذشت؛ برای او که دوست نداشت آفتاب روز دهم بدمد، حتی یک لحظه بیشتر کنار برادر ماندن، غنیمت بود. با صدایی که از محنت فراق قریب‌الوقوع می‌لرزید، به امام(ع) گفت که پس از پدر و مادر و مجتبی(ع)، برایش تنها یادگار و جانشین گذشتگان، حسین(ع) است و حالا، او نیز می‌خواهد به جایگاهی رهسپار شود که حضرت دوست برایش مقدر کرده است. امام(ع) آخرین وصایای خود را برای فرزندش سجاد(ع) و خواهرش زینب(س)، واگویه کرد. خواست که پایدار باشند و در فراق آل رسول(ص)، شیون نکنند و گریبان چاک نزنند؛ خواست که آه و واویلا نکنند و صورتشان را مخراشند و زینب(س)، با بغضی فروخورده گفت: جانم فدایت! برادرم تو آماده شهادت شده‌ای.

■ راهی که برای اطفال هموار شد

بیرون خیمه‌ها امام(ع)، «جون» و تعدادی از یارانش را فراخواند تا مسیر پشت خیمه‌ها را با کندن خندق و گذاشتن هیزمی که فردا شعله‌ور می‌شد، مسدود کنند. حفر خندق زیاد طول نکشید؛ اما نگاه سیدالشهدا(ع) به فراتر از خندق دوخته شده بود. یاران دیدند که او به تاریکی شب داخل شد؛ هراسان به دنبال او رفتند، مبادا به مولایشان آسیبی وارد شود؛ اما دیدند که حسین(ع) در آرامشی غریب، بوته‌های خار و سنگ‌های تیز را جمع و به خارج مسیر منتقل می‌کند. وقتی دلیل را پرسیدند، امام(ع) پاسخ داد که فردا، پس از شهادت ما، کودکان برای فرار از دست دشمن، به این سو خواهند گریخت و آن‌گاه، اگر این خارها در مسیر باشد، به پایشان خواهد خلید و بر پوست نازکشان، زخم خواهد زد.

■ هیهات منا الذله

صبح روز دهم فرا رسید. کوفیان سپاهی هزاران نفری را به میدان آورده بودند؛ حدود ۱۸ هزار تن و امام(ع)، با یاران و خاندانش، اندکی بیش از ۷۰ نفر. سیدالشهدا(ع) اسب راند و در مقابل سپاه خصم ایستاد؛ با آن‌ها سخن گفت؛ سخنانی که سنگ را آب می‌کرد: بدانید؛ امیر بی‌اصل و نسب شما، مرا میان پذیرش دو امر مخیّر کرده و گفته است که حسین! یا ذلت را بپذیر یا تن به شمشیر بسپار! به او بگویید ما و تن به ذلت دادن؟ هرگز! خدا و پیامبرش و دامن‌های پاک و مردان با حمیّت که تن به ستم‌پذیری نمی‌دهند، دوست ندارند که من ذلت اطاعت از ستم‌پیشگانِ پست را بر شهادت با عزت ترجیح دهم؛ و این کلمات، ختم کلام بود.

■ فتح بهشت

یاران خاندان رسول خدا(ص)، یک به یک در خون خود درمی‌غلتیدند؛ اما آن‌چه پیش از پرواز روحشان بر زبان می‌راندند، خود یک مثنویْ حماسه بود. عمرو بن خالد صیداوی، پیش از آن که رهسپار میدان شود، نزد امام(ع) رفت و گفت: جانم فدایت! می‌خواهم به یاران شهیدم بپیوندم؛ برایم دشوار است که ببینم حمله کنند و آسیبی به تو وارد شود. حسین(ع) در چشمان عمرو نگریست؛ با مهربانی لبخند زد و فرمود: «تَقَدَّمْ فَإِنّا لاحِقُونَ بِکَ عَنْ ساعَةٍ؛ پیش برو که ما نیز ساعتی دیگر، به تو می‌پیوندیم.» عمرو بن قرظه انصاری نیز، راه عمرو دیگر را پیمود؛ هنگام هجوم خصم و در آن معرکه جانکاه، کنار امام(ع) ایستاد و خود را سپر تیرهایی کرد که دشمن، پیاپی به جانب مولایش می‌فرستاد؛ چون طاقت عمرو به پایان رسید، مقابل سیدالشهدا(ع) بر زمین افتاد؛ در آخرین نگاه به امامش، از او پرسید که آیا از جسارت و شجاعت وی راضی است؛ و امام(ع) فرمود: «آری؛ تو پیش از من وارد بهشت می‌شوی؛ چون به خُلد برین درآمدی و به ملاقات جدم رسول خدا(ص) مفتخر شدی، به او سلام مرا برسان و بگو که به زودی فیض دیدارش را درک خواهم کرد.»

همه یاران به سوی معبود پر کشیده بودند؛ حالا حسین(ع) مانده بود و یک دنیا تنهایی؛ خواست تا با طفل شش ماهه‌اش وداع کند، اما... خورشید روز دهم، رنگ خون گرفته بود ... فرزند فاطمه(س) در گودال قتلگاه بر زمین افتاد....

منابع:
مقتل خوارزمی؛ موفق بن احمد خوارزمی؛ ترجمه مصطفی صادقی؛ قم؛ انتشارات مسجد جمکران؛ ۱۳۸۸
لهوف؛ سید بن طاووس؛ ترجمه مهدی لطفی؛ انتشارات حیات نسیم؛ چاپ دهم؛ ۱۳۸۹
الفتوح؛ ابن اعثم کوفی؛ ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی؛ تهران؛ ۱۳۷۲
وقعة الطف؛ ابی مخنف، لوط بن یحیی؛ تحقیق شیخ محمد هادی الیوسفی الغروی؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
مقتل الامام الحسین(ع)؛ سید عبدالرزاق قمام(مقرم)؛ مکتبة الحیدریة؛ نجف؛ ۱۴۲۴
مقتل جامع سیدالشهدا(ع)؛ گروه مؤلفان؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)؛ قم؛ ۱۳۹۵

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه ۱۲ روزنامه خراسان، پاسخ‌گوی پرسش‌های حقوقی شما هستیم. شما می‌توانید پرسش‌های خود را در تمام زمینه‌های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفاً در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: طبق توافقی که با پدرم داشتم و قراردادی که با او امضا کردم، پس از تخریب خانه کلنگی‌اش، روی آن آپارتمان ساختم و وکالت سند دو واحد به نام من خورد. شاهدان آن قرارداد، همه برادران و خواهران من بودند. حال پدرم فوت کرده است و آن‌ها مدعی ارثشان از دو واحد آپارتمانم هستند؛ واحدهایی که من در همان زمان، به شخص دیگری واگذار کردم. لطفاً راهنمایی‌ام کنید.

پاسخ: اگر چه وکالت با فوت وکیل یا موکل باطل می‌شود و شما دیگر نمی‌توانید با استناد به وکالت‌نامه به وکالت از پدر مرحومتان سند رسمی تنظیم کنید، اما قرارداد تنظیمی با پدر، به قوت خود باقی است. وارثان پدرتان در استفاده از حقوق و انجام تکالیف ناشی از آن قرارداد، جانشین پدر یا در اصطلاح قائم مقام او هستند. بنابراین ابتدا با ارسال اظهارنامه‌ای، از برادران و خواهرانتان دعوت کنید تا به عنوان قائم مقام پدر، با حضور در دفتر اسناد رسمی، برای انتقال سند ملک به نام شما اقدام کنند. در صورت خودداری آن‌ها از تنظیم سند رسمی انتقال، به دادگاه حقوقی محل وقوع مال غیرمنقول (منزل پدری) مراجعه و علیه تمامی وارثان، دادخواستی به خواسته «الزام به ایفای تعهدات قراردادی و تنظیم سند رسمی انتقال» تقدیم کنید. اسناد و مدارک خود را (از جمله کپی قرارداد تنظیم شده با پدرتان و اظهارنامه) ضمیمه دادخواست کنید. در صورتی که پس از انجام معامله، هر یک از طرفین فوت کند، وارثان او برای اجرای تعهدات قراردادی (از جمله برای تحویل ملک یا تنظیم سند رسمی)، جانشین یا در اصطلاح «قائم مقام» طرف متوفی محسوب می‌شوند. وارثان پدر شما نیز، به عنوان قائم مقام آن مرحوم، ملزم به تنظیم سند رسمی به نام شما خواهند بود. بنابراین، در صورت خودداری از انجام تعهدات قراردادی پدر، از جمله تنظیم سند رسمی، می‌توان در دادگاه محل وقوع ملک علیه آن‌ها دعوای الزام به تنظیم سند رسمی اقامه کرد. ماده ۲۳۱ قانون مدنی بیان می‌کند: «معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آن‌ها موثر است.» ماده ۲۲۰ قانون مدنی نیز، بیان می‌کند: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند.» بنابراین، پس از امضای قرارداد انتقال ملک، انتقال دهنده باید برای انتقال ملک و تنظیم سند رسمی به نام انتقال گیرنده اقدام کند، هر چند که در متن قرارداد هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده باشد.

سخن اندیشه

مفهوم عزت در کلام و سیره پیشوای سوم(ع)

عزت یک فضیلت و ارزش مطلق بزرگ و جاویدان است؛ راغب اصفهانی درباره عزت می‌نویسد: «العزة حالة مانعة للإنسان مِن ان یُغلَب» (المفردات فی غریب القرآن، ماده عز، ص ۳۳۲) امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: «موت فی عز خیر من حیاة فی ذل؛ مرگ در عزت، بهتر از زندگی در ذلت است.» (مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۶۸) در جای دیگر، امام(ع) این حقیقت بزرگ را چنین تبیین کرده‌اند: «لیس الموت فی سبیل العزّ الاّ حیاة خالده و لیست الحیاة مع الذل الاّ الموت الذی لاحیاة معه؛ مرگ باعزت و در راه عزت، جز زندگی جاویدان نیست و زندگی با ذلت، چیزی جز مرگی که تهی از حیات است، نمی‌باشد.» (موسوعة الإمام الحسین علیه السلام، ج ۳، ص ۱۴۵) با درنگ در این احادیث شریف و با توجه به رفتار و کردار عزت مدارانه اباعبدا... الحسین علیه السلام، منطق حماسی رهبر قیام و انقلاب عاشورا، روشن می‌شود. بی‌تردید در حماسه حسینی، مرگ باعزت، برزندگی رفاه‌طلبانه با ذلت، برتری دارد. پیروان اباعبدا... الحسین علیه السلام و هیئت‌های عزاداران حسینی، باید درس عزت، ایثار و فداکاری را از قیام سیدالشهدا(ع) فراگیرند و هرگز زیر بار ذلت نروند.

حجت‌الاسلام دکتر جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی

مزایده سراسری شماره ۶۴-۹۸/۸۴۰۰/۲۴۰/م املاک و مستغلات مؤسسه نور (دولتی)

مؤسسه نور در نظر دارد املاک ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی به بالاترین قیمت پیشنهادی به فروش برساند.
متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر، هماهنگی برای بازدید و دریافت اسناد شرکت در مزایده از ساعت ۸ الی ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۳ الی ساعت ۱۶ روز یکشنبه مورخ ۹۸/۶/۲۴ به دفاتر مؤسسه مراجعه و یا با تلفن‌های ۲۸۴۶۲۵۶۳-۰۲۱ ۰۹۱۰۲۷۰۷۴۰۷ (آقای فتحی)، ۰۹۱۵۳۱۰۴۶۵۴ (آقای طهرانی‌زاده)، ۰۹۱۶۳۴۰۳۲۷۱ (آقای امید علی فتحی) تماس حاصل نمایند.
دفتر فروش مرکزی: تهران، میدان نوبنیاد، خیابان شهید لنگری، خیابان صنایع، پلاک ۲۲ طبقه پنجم دفتر مؤسسه نور
دفتر فروش: مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد، نبش میلاد ۲، شرکت مهندسی رهاب
دفتر فروش: کرمانشاه، میدان آزادی، کارگاه مترو مؤسسه حرا، معاونت پشتیبانی

ردیف	نوع ملک	آدرس	توضیحات	قیمت پایه مزایده (ریال)
۱	زمین مسکونی- تجاری	کرمانشاه، بلوار کشاورز، خیابان ۳۰ متری طالقانی	مساحت عرصه ۴۰۸ (مترمربع)	48/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	واحد مسکونی	مشهد، احمدآباد یک، ابومسلم یک پلاک ۴	عرصه ۳۷۹ مترمربع و اعیان ۳۴۶ مترمربع	۳۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

شرایط شرکت در مزایده:
۱- دارا بودن اهلیت قانونی ۲- عدم شمول قانون منع مداخله کارکنان دولت. ۳- تکمیل فرم‌های شرکت در مزایده.
۴- واریز ۵٪ قیمت پایه به حساب جاری شماره ۵۱۵۱۷۱۸۰۴۸۰۱۲ نزد بانک سپه شعبه بلوار دریا تهران (کد ۲۲۲۹) و یا شماره شبا (IR۶۰۰۱۵۰۰۰۰۰۰۵۱۵۱۷۱۸۰۴۸۰۱۲) به نام واحد اجرایی نور.
۵- اعلام کتبی قیمت پیشنهادی در فرم های مربوطه به‌صورت محرمانه و در پاکت مهر و موم شده.
*** قبول و یا رد پیشنهادات با تصمیم کمیسیون برگزاری مزایده می‌باشد.
*** در صورت عدم برنده شدن، واریزی سپرده تضمین شرکت در مزایده، ظرف مدت ۳ روز کاری بعد از بازگشایی پاکت‌ها، عودت می‌گردد.

مکان و زمان تحویل پاکت‌ها:
دفتر مرکزی تهران: روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۳ الی روز یکشنبه مورخ ۹۸/۶/۲۴ از ساعت ۸ تا ۱۶.
دفتر فروش کرمانشاه: روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۳ الی روز شنبه مورخ ۹۸/۶/۲۳ از ساعت ۸ تا ۱۶.
دفتر فروش مشهد: روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۶/۱۳ الی روز شنبه مورخ ۹۸/۶/۲۳ از ساعت ۸ تا ۱۶.

مکان و زمان بازگشایی پاکت‌ها:
دفتر مرکزی مؤسسه نور، ساعت ۱۵ روز دوشنبه مورخ ۹۸/۶/۲۵.
آدرس سایت موسسه: WWW.M-NOOR.IR
ع/۹۸۰۷۶۳۷۱

پسرعزیزمان جناب آقای
سید سجاد محمدپور
تلاش های بی وقفه ات را ارج می نهیم و قبولیت را در
مقطع کارشناسی ارشد
در رشته مهندسی عمران سازه
دانشگاه فردوسی مشهد
تبریک می گوییم
پدر و مادرت
م/۹۸۰۷۷۵۹۳

پذیرش غیرحضوری آگهی‌های
تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی:
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی:
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰
م/۹۸۰۶۰۷۰۶